



فیض شریفی

پژوهشگر و منتقد

داستان نویسن ما، ابراهیم تدین با درایت و تیزهوشی بسیار، تاریخ اجتماعی شهر بهبهان را ریزریز بانثر تفتنه و داغ و موثری تشریح می‌کند. او با زاویه دید دانای کل و بانثر سخته و نگاه دقیق و در دیالوگ‌ها، شخصیت‌ها را پرورش می‌دهد و می‌سازد. در این جا شخصیت حاجی و پس از آن، فیروز تومنود و تهیدست و لمپن، مخالف حاجی، خوب پرورده شده است. دوم شخصیت شازده، زن دلاله به خوبی در ماجراهای داستان جفت می‌شود و ابایی از هیچکس ندارد. فیروز و شازده و عشرت و رحمان خروس، شخصیت‌های فعال ماجرا هستند اما هاجر، ایران و گلاب بنا به جایگاه شان، رضا به داده داده‌اند اما از جبین گره نگشاده‌اند. اشخاص داستان واقعا در ماجراها خوب پرداخته و آبدیده می‌شوند و متحول می‌گردند. یکی از آن میان کمال، که پس از ازدواج حاجی با ایران متنبه می‌شود که بیش از این ابروی پدر را بر باد ندهد. فیروز که به مرور با حاجی دمخور می‌شود، و تقی، شاگرد وفادار و سر به زیر حاجی که در نهایت در مقابل فرزندان حاجی مقابله می‌کند و ثروت حاجی را بالا می‌برد. اما خود حاجی که سفت و سخت به تقی می‌گوید: خرا همیشه باید گذاشت که کار کند و بار ببرد وگرنه عمر عمر می‌کند. حاجی شجاعانه و گستاخ می‌گوید: «من سنت رسول... را دنبال می‌کنم، نمی‌خواهم یک‌س کسی و تنها شب به سگته بیفتم، باید کسی باشد که پیزی مرا جابیندازد و دستم زیر سرش باشد...». حاجی خود ساخته، محکم به مبارزه، وارد عرصه ی کارزار می‌شود و بالاخره بیرق عز را دوباره برپا می‌کند و بر لمپن‌ها و عرق خوران شهر با پول همه ی دم دستگاه شهرپایانی رابه رشوه می‌خرد، اما روزگار به او امان نمی‌دهد. ابراهیم تدین سبک و سیاقی مخصوص به خود دارد، ولی نمی‌توان او را آنتولوژی هدایت و چوبک ندانست. نفر تدین بانثر هدایت به تقریب همگون است و مضمون و موضوع داستان شبیه به مضمون و موضوع صادق هدایت در رمان حاجی آقاقت. تدین به اعماق وجود کاراکترهای خود نفوذ می‌کند و از تنهایی و هراس و اضطراب آنها که -در بن بست وجود و اجتماع خود گیر کرده‌اند- رسوخ می‌کند. او میان دو مکتب رئالیستی و ناتورالیستی در نوسان و در حرکت است ولی در هر حال کفشی ترازوی او به سمت مکتب رئالیستی سنگینی می‌کند.

تدین تیپ دلخواه خود را از چند نمونه ی واقعی و زنده می‌گیرد و با ذوق هنری خود آنها را می‌آمیزد و «تیپ» و شخصیت کامل و مطلوب خود را در داستان پرورش می‌دهد. تفاوت کار تدین با نویسندگان رمانتیکی در این است که نویسنده ی رمانتیکی باشتاب و ذهنیت به رویدادها می‌نگرد اما ابراهیم تدین عکس می‌گیرد و به تشریح جزئیات می‌پردازد؛ یعنی تجربه را جانشین ترکیب و کلی گویی رمانتیک‌ها می‌کند: «مش فیروز داخل مغازه پشت پیشخوان بود. طاقت تمام کرد. یک مرتبه از جاد رفت. کفهی ی ترازو به دست و نعره کشان از مغازه بیرون آمد، پای برهنه... عصبانیت هراسناکش کرده بود. حاجی لاغر و مردنی و شکمش توفتوفت بود. قوز کمر هم داشت. جتنه ی نحیف و ضعیفش توانایی مقابله با مش فیروز را نداشت. قدش به زیر شانه ی فیروز هم نمی‌رسید. هببت و چههری برافروخته ی مش فیروز ترسی به جانش انداخت. احساس خطر کرد... تدین گاهی در تأثیر وراثت و موقعیت جسمی و روحی و در به کرسی نشاندن عشق به شکل خواست جسمانی و در شرح جزئیات با ناتواریلیست‌ها همراه می‌شود و با دقت و ریزبینی به تجربه و تحلیل روحیه و شیوه ی برخورد و رفتار و سکنات اشخاص خود می‌پردازد. زبان توصیفی تدین، ریتمیک، دقیق و قدرتمند است.

تدین بی طرفانه و بدون آن که شعار بدهد، سلسله‌ای از مصائب وحشتناک زن‌ها و مردها را بابای رجمی به تصویر می‌کشد. زنانی با نام‌های هاجر، گلاب و ایران و مردان، رحمان خروس، فیروز و تقی که زیر هببت سنت و جبر ظالمانه و مردانه در خانه می‌پوسند و تنباه می‌شوند. فضای این داستان بومی است و کلماتی باگوشی بهبهانی در آن وجود دارد. اما دارد این داستان صرفاً مربوط به کل جهان است. جهان طبقاتی و فئودالیسم- سرمایه داری که پر از نکیست است و تخصص. این شخصیت‌ها گاهی بدون آن که بدانند حرف‌های حکیمانه تحویل هم می‌دهند: «دردم از ترکان تیرانداز نیست/ غصه ی تیرآورانم می‌کشد... اصل بد نیکو نگردد چون که بنیادش بد است...». حالم چودلیری ست که از بخت بد خویش، در لشکر دشمن بسری داشته باشد... تازی‌کار و زندگی اند. نفقشان در نمیداد همین که بیکار شدند شروع می‌کنند به زرز زرز کردن...

این داستان بلند می‌توانست پایان نامه و نام بهتری داشته باشد. به نظر می‌رسد بخشی از این داستان را نویسنده و ارشاد حذف کرده باشند.



◀ **اخیرا نشر هزمز کتابی از شما را زیر چاپ برد که در بردارنده چند دفتر است و «بیرون قاب قدم بزئیم» نام دارد. اگر اشتباه نکنم سال‌ها پیش (در سال ۱۳۸۴) به انتشار قریب‌الوقوع مجموعه شعری به همین نام اشاره کرده بودید. درست نمی‌گویم؟**

در انتخاب عنوان کتاب مورد اشاره در این پرسش، تغییر و تحولی صورت گرفت، پرسش شما را می‌توان به نوعی درست دانست، چراکه ایده مجموعه شعری با نام «بیرون قاب قدم بزئیم» سال‌ها پیش شکل گرفت و در همان زمان (۱۳۸۴) به انتشار آن اشاره شده بود. از سوی دیگر چنین نیست، زیرا روند نام‌گذاری آن کتاب به‌گونه‌ای دیگر پیش رفت: آن مجموعه در سال ۱۳۸۶ منتشر شد، ولی به دلیل حضور شعر بلند «به وقت البرز» که به حوزه ادبیات حماسی ملی و میهنی می‌پرداخت و با نگاهی تجربه‌گرا عناصر زبانی و لحنی این حوزه را بازتألیف می‌کرد، کتاب با عنوان «به وقت البرز» انتشار یافت.

نقدهای ادبی بسیاری براین مجموعه نوشته شده است که طیفی از رویکردهای منتقدان و تحلیلگران را نشان می‌دهد، برخی از این موارد بازتاب دهنده این است که شعرهای کتاب «به وقت البرز» تاریخ و اسطوره را در متن امروز بازخوانی می‌کند و با طنزی ظریف نسبت به قطعیت‌ها و جزمیت‌های اسطوره‌ای، ظرفیت بالایی برای تعامل با مخاطب معاصر پدید می‌آورد. در همین زمینه اشاره شده است که شعرهای این کتاب از منظر ساختار و زبان، گرایش غالب به استعاره و روایتگری دارند و روایت غالباً زنانه است، به گونه‌ای که تجربه تاریخی و فرهنگی در ذهنیتی شخصی و ملموس بازآفرینی می‌شود. همچنین، ترکیب خیال انگیزی روایت و وطن‌ظریف باعث شده شعر هم غنای ادبی خود را حفظ کند و هم خواننده را به تفکر و تأمل دعوت کند. «به وقت البرز» در جایزه بیرون اعتمادی منتخب شد و هم‌زمان نامزد دو جایزه معتبر دیگر نیز بود. تاکنون بیش از ۶۰ نقد ادبی بر این مجموعه نوشته شده که نشان دهنده جایگاه و تأثیرگذاری آن در شعر معاصر است. پس از آن، کتاب «کوک تهران» در سال ۱۳۸۹ و گزیده‌ای از شعرهای من با عنوان «شهروند افتخاری جهان» در سال ۱۳۹۲ منتشر شدند، تا سرانجام مجموعه شش‌گانه شعر ما همان نام «بیرون قاب قدم بزئیم»، که جایگاه مشخصی در حافظه شعری مخاطبان یافته است، منتشر شود. «بیرون قاب قدم بزئیم» نمره دفتراهایی است که در طول سال‌ها نوشته شده و هر کدام بخشی از مسیر شعری من را نمایانگی می‌کنند.

◀ **با انتشار این کتاب، در واقع مراحل و دوره‌های مختلف شعری خود را کنار هم به‌همراه توضیح کوتاه ارائه کنید. آن توضیحات چه خواند بود؟**

نگاه به مجموعه آثار، فراتر از گردآوری شعرها، فرصتی برای بازخوانی سیر اندیشه، زبان و تجربه‌های شاعر در طول زمان فراهم می‌آورد. این‌ها نشان می‌دهد هر کتاب در کنار ارزش فردی خود، بخشی از یک کلیت بزرگ‌تر است و وقتی در کنار دیگر آثار قرار می‌گیرد، مسیری روشن از فراز و فرودها، جست‌وجوگری‌ها و تحول‌های شاعرانه را پیش چشم ما می‌گذارد. مجموعه آثار هر شاعر فقط یک گردآوری از شعرها نیست، بلکه نوعی مسیر فکری و هنری و را نشان می‌دهد. از خلال این مجموعه می‌توان دید شاعر چطور با جهان اطرافش روبه‌رو شده، زبان و تصویر را تجربه کرده و دغدغه‌های شخصی یا اجتماعی‌اش را بازتاب داده است. شعرهای آغازین معمولاً بیشتر بر کشف هویت شاعرانه و آزمون فرم‌ها و تصاویر تازه تمرکز دارند. در میانه راه بازتاب تجربه‌های انسانی و اجتماعی پررنگ‌تر می‌شود و در دوره‌های اخیر، شعر اغلب به سمت تجربه‌گرایی حرکت می‌کند تا زبان تازه‌ای برای بیان مسائل پیچیده امروز پیدا کند.

در همین راستای جست و جوی که در پرسش شما هم مطرح شد، بد نیست اشاره کنم که درباره آثار من سه کتاب مستقل در حوزه پژوهش، تحلیل و نقد و بررسی منتشر شده است: «اوکای حافظه جهان» نوشته سعید نصاریوسفی، «در برابر دست‌های جاودانگی» اثر یونسفرماند، «جهان از سطرهای تو برمی‌گردد» به گردآوری رضا شالبافان. کتاب اخیر نزدیک به صد نقد و بررسی از منظر منتقدان و پژوهشگران را در بر می‌گیرد که نشان از این دارد که آثارم در سال‌های گذشته در معرض گفت‌وگوهای متعددی قرار گرفته و از زوایای گوناگون خوانده شده‌اند. اصولاً در تاریخ شعر معاصر هم مجموعه آثار شاعران، همیشه نه فقط به عنوان شعر، بلکه به عنوان اسنادی زنده از تحول اندیشه و زبان شعر فارسی دیده شده‌اند. از همین رو هر مجموعه، هم روایت شخصی شاعر و هم بخشی از تاریخچه بزرگ‌تر شعر معاصر است.

◀ **انتشار نخستین مجموعه شعر و معارفه شما در این وادی، به دهه ۷۰ برمی‌گردد؛ دهه‌ای که به عنوان نقطه عطف شعر معاصر از آن یاد می‌کنیم. نسبت شما و شعر شما با شناسه‌هایی که از این دوره می‌شناسیم، چیست و آیا شعر خود را در آن مسیر توسعه داده‌اید؟**

دهه هفتاد، نقطه عطفی در شعر معاصر ایران

گفت‌وگو با مهرنوش قربانعلی به مناسبت انتشار مجموعه آثارش

«دهه هفتاد» یک مبدأ و مرجع تاریخی است



آرمان ملی- هادی حسینی نژاد: مهرنوش قربانعلی، شاعر، منتقد ادبی و پژوهشگر ادبیات و دانش آموخته دکترای زبان و ادبیات فارسی است. او به عنوان شاعر پیشرو دهه ۱۳۷۰ به بعد مقالات و نقدهای ادبی و گفت‌وگوهایی با منتقدان و صاحب‌نظران شعر امروز را در کارنامه خود دارد. شعرخوانی و سخنرانی در همایش‌های ادبی کشورهای ترکیه، بحرین، هند و همچنین مسئولیت در مجلات و سایت‌های ادبی، نیز از دیگر سوابق ادبی مهرنوش قربانعلی است، همچنین برخی آثار او به زبان‌های انگلیسی، عربی، فرانسه، سوئدی، اردو و ترکی استانبولی ترجمه شده. مجموعه شعرهای «در ناتمامی خود»، «راه به حافظه جهان»، «تبصره»، «به وقت البرز»، «کوک تهران»، «بر دریا قدم می‌زنم»، «گزیده اشعار» شهروند افتخاری جهان» و «چشم‌انداز شعر معاصر ایران» ۱۳۸۰-۱۳۹۰ عنوان آثار منتشر شده این شاعر و منتقد ادبی است و انتشار اخیر «بیرون قاب قدم بزئیم» مجموعه ی شش کتاب شعر) بهانه‌ای شد برای گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید.

مجموعه «بیرون قاب قدم بزئیم»، مشهود است. برای من همواره اهمیت داشته و دارد که جریان تازه‌ای به شعر موجود بیافزایم؛ تلاشی که از دهه هفتاد آغاز شد و تا امروز ادامه یافته است. این جریان افزوده شامل یافته‌های فردی من در حوزه ی زبان، فرم و اندیشه‌ورزی شخصی است، همچنین بازتاب‌های اجتماعی و فرهنگی آنها در بر می‌گیرد. برای نمونه، در شعر بلند «به وقت البرز» علاوه بر تحولات فرمی، می‌توان بازتاب بافت جغرافیایی، فرهنگی و تأثیر آن بر تجربه انسانی و اجتماعی را نیز مشاهده کرد. هدف من این است که شعر نه تنها بازتاب دهنده تجربه شخصی باشد، بلکه به میراث شعری پیشین لایه‌ای تازه بیفزاید. امکانات نوینی برای مخاطب امروز فردا فراهم کند.

◀ **ارتباط شاعر و جامعه و تجلی دریافت‌های اجتماعی و تاریخی در شعر، یکی از مسائل مطرح و قابل توجه بوده‌اما در ورطه‌هایی، نوعی فردیت که خالی از کلنجارهای فلسفی وهستی‌شناسانه نیست، جریان‌های شعری را به انزوایی خود خواسته می‌برد. تعبیر و تفسیر شما از کارکرد و ماهیت اجتماعی شعر پیشرو در دهه‌های اخیر چیست؟**

زبان و نشانه‌های شعری خود ابرازی اجتماعی هستند، هر واژه، تصویر و نماد شعری حامل معناهای جمعی و فرهنگی است و می‌تواند گفت‌وگو میان شاعر و جامعه را ممکن کند. زبان شناسی مدرن نشان می‌دهد که زبان صرفاً وسیله‌ای برای انتقال پیام نیست، بلکه چارچوبی برای شکل‌دهی تجربه و ادراک انسانی است. برای مثال، زبان شناسانی مانند فردیناند دو سوسور نشان داده‌اند که معنی کلمات وابسته به ساختار و روابط آن‌هاست و این معنا در زمینه اجتماعی شکل می‌گیرد. در شعر پیشرو، این بدان معناست که انتخاب واژه، ترکیب آنها و ساختار جمله‌ها نه تنها بیانگر تجربه فردی شاعر، بلکه بازتاب دهنده تجربه جمعی و فرهنگی نیز هست.



از منظر فلسفه روز، به ویژه فلسفه زبان و فلسفه معاصر، زبان به عنوان کنشی فعال دیده می‌شود که جهان را بازآفرینی می‌کند و تعامل میان فرد و جامعه را ممکن می‌سازد. فیلسوفانی مانند هابرماس بر ارتباط میان زبان و کنش اجتماعی تأکید دارند و نشان می‌دهند که زبان می‌تواند زمینه ی توافق، نقد و فهم مشترک را ایجاد کند. در شعر پیشرو، شاعر با بهره‌گیری از این فهم، تجربه‌های فردی را در متن جامعه بازتاب می‌دهد و امکان گفت‌وگو و تفکر انتقادی برای خواننده فراهم می‌کند.

شعر پیشرو می‌تواند جلوه‌های مختلفی از ماهیت اجتماعی داشته باشد. برخی از این جلوه‌ها شامل نقد و تحلیل شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است؛ شعری که با بازخوانی واقعیت‌ها و ساختارهای موجود، زمینه ساز گفت‌وگو و تأمل جمعی می‌شود و خواننده را به بازاندیشی در جامعه و زمانه‌اش دعوت می‌کند. علاوه بر این، شعر می‌تواند تجربه‌های تاریخی را بازتاب دهد؛ با بازخوانی رویدادهای جمعی، تاریخ، اسطوره‌ها یا خاطره‌های جمعی، شعری شکل می‌گیرد که تجربه ی جمعی را به زبان امروز منتقل می‌کند و پیوندی میان گذشته و اکنون ایجاد می‌کند. شعر پیشرو همچنین نقش انتقال فرهنگی و هویتی را ایفا می‌کند؛ بازنمایی هویت‌های محلی، فرهنگی یا زبانی، انتقال ارزش‌ها، تجربه‌ها و وجهه فرهنگی به دیگران و نسل‌های بعدی، و ایجاد حس تعلق و شناخت نسبت به محیط و جامعه، بخشی از کارکرد اجتماعی آن است. علاوه بر آن، گاهی نشانه‌های رویداد اجتماعی شاعر خیلی مستقیم و ملموس نیستند؛ برای نمونه، انتخاب یک واژه یا تصویر خاص که به یک رویداد جمعی، فرهنگ محلی یا یک نمداد تاریخی اشاره دارد، شکل ساختار یا ترتیب شعر که بر خوانش و تفکر جمعی تأثیر می‌گذارد، و یا طنز و فاصله‌گذاری انتقادی در روایت که خواننده را به تأمل در جامعه وا می‌دارد. این نشانه‌ها گرچه آشکار نیستند، اما نشان دهنده نگرش اجتماعی شاعر و تعامل او با محیط و جامعه هستند.

با این حال، برخی عوامل می‌توانند رویکرد‌های اجتماعی در شعر را به انزوا بکشانند؛ از جمله تمرکز افراطی بر تجربه فردی بدون پیوند با جامعه، تقلید صرف از فرم‌ها و شیوه‌های موجود بدون بازاندیشی در زبان، و یا بی‌توجهی به مسائل و دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی زمانه. برای برطرف کردن این انزوا، شاعر می‌تواند با ایجاد تعادل میان تجربه فردی و اجتماعی، بهره‌گیری از زبان و نشانه‌ها به عنوان ابزار گفت‌وگو، و بازخوانی و بازتاب فرهنگ، تاریخ و مسائل اجتماعی، شعر خود را هم‌زمان خلاقانه و مرتبط با جامعه نگه دارد. همچنین تحلیل نشانه‌ها و سمبل‌های شعری به ما می‌آموزد که چگونه معانی چندلایه ایجاد می‌شوند و خواننده را به کشف روابط میان فرد، جامعه و تاریخ دعوت می‌کنند. بدین ترتیب، شعر پیشرو اجتماعی با بهره‌گیری از زبان، فرم، تصویر و نشانه، تجربه فردی و جمعی را در هم می‌آمیزد و هم‌زمان استقلال هنری و خلاقیت شاعر را حفظ می‌کند، به گونه‌ای که

این تعامل میان فرد، جامعه و تاریخ بتواند تولید لایبنت‌های تازه در شعر امروز پدید آورد.

◀ **همانطور که مستحضرید، مختصات جهان و پارامترهای آن روز به‌روز در حال تغییر و تحول‌اند. کارکرد رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، تکنولوژی و هوش مصنوعی و... موقعیت زیست و آینده‌نگری انسان را دگرگون کرده و می‌کند. به نظر شما شعر آوانگار و تجربه‌گرا در این شرایط، چطور نسبت خود را با جهان بیرون تبیین می‌کند؟**

شعر تجربه‌گرا و آوانگار همواره در موقعیتی حساس میان فرد و جهان قرار داشته است و در مواجهه با تغییرات سریع جامعه و تکنولوژی، به بازخوانی و بازتعریف تجربه انسانی می‌پردازد. رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای دیجیتال باعث شده‌اند که دسترسی به اطلاعات، روایت‌ها و تجربه‌های زیستی گسترده‌تر و هم‌زمان پیچیده‌تر شود؛ شعر تجربه‌گرا با بازتعریف فرم، زبان و تصویری می‌تواند این تغییرات را بازتاب دهد و برای مخاطب ابزار تفکر و تأمل فراهم کند.

یکی از فرصت‌های مهمی که تکنولوژی و هوش مصنوعی در اختیار شاعر می‌گذارند، امکان تجربه‌های چندرسانه‌ای و بینارشته‌ای است، ترکیب شعر با تصویر، صدا یا حرکت دیجیتال، شیوه‌ای نو برای بازنمایی تجربه‌های اجتماعی و فرهنگی ارائه می‌دهد که شعر سنتی به تنهایی قادر به انجام آن نیست. این ابزارها همچنین در اجرای پرفورمنس‌های شعری کاربرد دارند؛ به طوری که شاعر می‌تواند شعر را با عناصر صوتی، تصویری و حرکتی دیجیتال تلفیق کند و تجربه‌ای زنده و چندحسی برای مخاطب خلق نماید. این رویکرد می‌تواند شعر را در تعامل فعال با جامعه و مخاطب امروز قرار دهد و امکان خلق جهان‌های نوین شعری را فراهم آورد.

علاوه بر این، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی امکان ارتباط مستقیم و گسترده با مخاطب را فراهم می‌کنند؛ شاعر می‌تواند آثار خود را به‌راخورج جمعی منتشر کند، ایده‌های جدید دریافت کند و گفت‌وگوی زنده‌ای میان شعر و جامعه شکل دهد. این فرایند می‌تواند به تولید تجربه‌های چندلایه و هم‌زمان جمعی و فردی منجر شود. ابزارهای دیجیتال و هوش مصنوعی می‌توانند همچنین تحلیل محتوا و نمایش الگوهای معنایی در آثار گذشته و امروز را تسهیل کنند؛ این امر به شاعر امکان می‌دهد سبک‌ها، تم‌ها و تحول‌های تاریخی در شعر را مطالعه کند و بر اساس آن، زبان و فرم تازه‌ای خلق نماید. به این ترتیب، بهره‌گیری کارآمد از تکنولوژی و هوش مصنوعی، نه به عنوان جایگزین خلاقیت شاعر، بلکه به عنوان ابزار گسترش زبان، فرم، تعامل با جامعه و حتی اجرای پرفورمنس‌های زنده، می‌تواند شعر تجربه‌گرا و آوانگار را در مواجهه با جهان امروز فعال و پویانگه دارد.

◀ **به جز «بیرون قاب قدم بزئیم» اخیرا کتابی تحت عنوان «غایب‌تئریک شعر» نیز به‌گوشش سعید نصاریوسفی منتشر شده که حاوی مصاحبه‌هایی با شماست. در پایان این گپ و گفت، کمی درباره گپ و کیف‌مبانی و محتوای این کتاب نیز توضیح دهید.**

کتاب «غایت‌تئریک شعر» را می‌توان در ادامه مسیری دانست که گفت‌وگو و بازاندیشی درباره شعر معاصر ایران در آن نقش محوری دارد. این کتاب مجموعه‌ای منتخب از مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای من با منتقدان، روزنامه‌نگاران و پژوهشگران است که در سال‌های مختلف انجام شده و اکنون با گردآوری سعید نصاری یوسفی در قالب اثری مستقل منتشر شده است. مقدمه‌ی کتاب رویکردی به خاصیت تئریک شعر دارد و زاویه‌ای نظری به ظرفیت‌های چندوجهی آن می‌نگرد. در این مقدمه، علاوه بر طرح اهمیت گفت‌وگوها، به رهیافتی پویا از ساحت زبان و نیز به نقش موتیف‌های اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری تجربه‌های شعری اشاره شده است. این کتاب نشان می‌دهد که شعر تنها یک بیان فردی نیست، بلکه بستری است که ایده‌های مختلف زبان و اجتماع را در خود بازتاب می‌دهد. در ادامه، بر چندصدایی و تنوع تجربه‌های شعری دهه ی هفتاد تأکید شده و نشان داده می‌شود که این جریان از تنش میان سنت و نوآوری زاده شد. از نگاه گردآورنده، همین چندصدایی و گفت‌وگومندی است که «غایت‌تئریک شعر» را به قطبی برای شناخت و بازتعریف شعر امروز بدل می‌کند. از سوی دیگر، در تحلیل‌هایی که در کتاب آمده، بر استقلال شاعر از کلیشه‌های متداول، چه در سطح جنسیتی و چه در سطح اجتماعی، تأکید شده است. به این معنا که شعر نه در دام سوگ سرایی‌های رایج گرفتار می‌شود و نه در کلیشه‌های جنسیتی محدود، بلکه با تمرکز بر کرامت انسانی، تجربه فردی و حساسیت‌های زبانی راهی تازه می‌جوید. در واقع، او اشاره می‌کند، شاعر کوشیده است هم‌زمان از وابستگی‌های بیرونی رها بماند و در عین حال با پاساژهای معنایی و پیوند‌های اجتماعی و فرهنگی، با مخاطب تعامل کند. مقدمه کتاب «غایت‌تئریک شعر» خود به نوعی یک اثر تحلیلی به شمار می‌آید، این کتاب نه فقط یک گردآوری گفت‌وگو است، بلکه هم‌زمان می‌تواند یکی از متونی باشد که برای شناخت ظرفیت‌های چندوجهی شعر امروز راهگشا باشد.